

## ظرفیت‌های جریان نوصدرایی در احیای دانش اسلامی در جهان اسلام با تاکید بر موسسه بین المللی اندیشه اسلامی (IIIT)

سیدهادی ساجدی<sup>۱</sup>

### چکیده

جریان نوصدرایی در اثر تعامل با چالش‌های دنیای مدرن به نوآوری‌های جدیدی رسیده است که این روند با ظهور انقلاب اسلامی در ایران مضاعف شده است، لکن نتوانسته تعامل موفق و اثرگذاری مقبولی بر جریان‌های مؤثر فکری در دنیای اسلام از جمله موسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی (IIIT) که دغدغه اسلامی سازی دانش و ایجاد تمدن نوین اسلامی را دارند، داشته باشد. (مسئله) این مقاله با استفاده از روش سوات (SWOT) که بر چهار محور نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها استوار است، به ارائه راهبردهای چهارگانه در جهت احیای دانش اسلامی در جهان اسلام با استمداد از ظرفیت‌های جریان نوصدرایی می‌پردازد. (روش) جریان نوصدرایی به لحاظ محتوایی، روش‌شناسی و الهام‌بخشی در ایجاد جامع‌نگری دانشی، ظرفیت‌های منحصر به فردی برای موسسه داشته و می‌تواند آن‌ها را از نگاه اشعری گریانه و کارکردگرایان به لایه‌های عمیق‌تر فکری و اندیشه‌ای رهنمون سازد. از آن سو نیز، جریان موسسه به دلیل پایگاه غربی‌اش و مقبولیت فراگیرش در جهان اسلام می‌تواند در بسط و برقراری ارتباط جریان نوصدرایی با نخبگان مسلمان اثرگذار باشد. (یافته‌ها) **واژگان کلیدی:** جهان اسلام؛ دانش اسلامی؛ حکمت نوصدرایی؛ موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (IIIT).

۱. استادیار دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

## مقدمه

توجه اندیشمندان مسلمان به موضوع نظام آموزشی و دانش اسلامی از دهه هفتاد میلادی رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت و موجب بروز جریان‌های متعدد فکری در جهان اسلام و پیرامون آن شد. نقطه مرکزی همه این جریان‌ها، نقد نظام آموزشی سکولار غرب و تأکید بر این نکته است که بسط و گسترش دانش سکولار غرب از عوامل مهم رواج بی‌دینی و جلوگیری از تقویت اندیشه و رفتارهای دینی و اسلامی در امت اسلامی است. در خارج از فضای فکری و اندیشه‌ای ایران، حداقل می‌توان به پنج جریان اصلی که دارای تأثیرگذاری و بسط بیشتری در بحث اسلامی سازی معرفت بوده‌اند، اشاره کرد.

معروف‌ترین و پردامنه‌ترین این جریان‌ها، جریان موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (IIIT) است که توسط اسماعیل فاروقی با نگارش کتاب «أسلمة المعرفة» در سال ۱۹۸۴ در آمریکا شروع شد (فاروقی ۱۹۸۴، ۲۲). جریان دوم مربوط به سید نقیب عطاس است که البته او خود را مبتکر اصطلاح «اسلامی سازی معرفت» می‌داند (Al-attas 1993, xi)، و در رویکردهایش تفاوت‌های جدی با اندیشه‌های فاروقی دارد. محور اندیشه‌های عطاس بر فلسفه، عرفان و تصوف اسلامی برای بازسازی نظام آموزش و پرورش است. سومین جریان از سوی ضیاءالدین سردار، مسلمان انگلیسی پاکستانی الاصل، و در قالب جریان «اجمالیان» (استنبرگ ۱۳۹۸، ۵۶) رهبری می‌شود. این جریان بیش از آنکه یک حرکت ایجابی باشد، جزو منتقدین «نظریه علم اسلامی» بوده، لکن به دلیل نگارش مقالات انتقادی فراوان در دو دهه پایانی قرن بیستم عملاً به جریانی در این حوزه تبدیل شده است (ساداتی ۱۳۹۲، ۱۶۴). چهارمین جریان را سید حسین نصر با تأکید بر مفهوم «علم مقدس» رهبری می‌کند. نصر با تأکید بر اینکه ماهیت علم، منحصر در «علم تجربی» نیست، تلاش می‌کند به بشر امروزی بفهماند که نباید خود را از دو منبع معرفتی مهم دیگر یعنی وحی و عقل شهودی محروم کند (ساداتی ۱۳۹۲، ۲۳۹-۲۴۴). پنجمین جریان، مربوط است به موریس بوکای که پس از آشنایی اش با قرآن و رویکرد علمی آن، مسلمان شد و جریانی با محوریت قرآن راه‌اندازی کرد و نشان داد که برخلاف عهدین که در مواجهه با علم جدید ناتوان و بی‌استعدادند (ساداتی ۱۳۹۲، ۲۷۲)، قرآن کریم بدون تحریف باقی مانده و کاملاً مبتنی بر اصول علمی و هماهنگ با علم جدید است. در سوی دیگر جریان‌های فکری درون ایران قرار دارد. گرچه اهتمام جدی به این موضوع در ایران متأخر است، لکن پس از دو دهه از

انقلاب اسلامی تمرکز زیادی بر این موضوع پیش آمد و جریان‌های مختلف شکل گرفت. موضوع نقد دانش سکولار غربی و تولید دانش اسلامی از دهه هفتاد شمسی در ایران جدی شد و جریان‌های مختلف فکری به ارائه الگوهای خود برای آن پرداختند.<sup>۱</sup> جریان نوصدرایی یکی از این جریان‌هاست که ریشه در اندیشه‌های ملاصدرا و حکمت متعالیه دارد و سعی می‌کند با بهره‌گیری از منابع اسلامی و دست آورده‌ای حکمت متعالیه به پاسخگویی به چالش‌های دنیای مدرن و جامعه اسلامی معاصر بپردازد. علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) و پس از آن‌ها شاگردانشان از طلایه‌داران جریان نوصدرایی‌اند که توانسته‌اند در چالش‌های نوین امروزی از جمله موضوع تولید دانش اسلامی به ارائه نظریه و راهکار اقدام کرده و اصلی‌ترین جریان در این حوزه به حساب آیند. علاوه بر ریشه تاریخی و میراث علمی، این جریان به دلیل گره خوردن با انقلاب اسلامی ایران از صرف نظریه‌پردازی خارج شده و به کنش اجتماعی، سیاسی رسیده است که خود موجب رویارویی با چالش‌های جدید و زایش‌های فکری و اندیشه‌ای در پاسخ به آن‌ها شده است. از این رو، جریان نوصدرایی در میان همه جریان‌های تولید دانش اسلامی در جهان اسلام جزو پیشروترین و عملیاتی‌ترین آن‌هاست و می‌تواند الهام بخشی و الگودهی منحصر به فردی برای دیگر جریان‌های ناظر به اسلامی سازی دانش داشته باشد.

خلاصه آنکه جریان نوصدرایی هم به لحاظ غنای محتوایی و ریشه داشتن در سنت تاریخی جهان اسلام و هم به لحاظ کنشگری اجتماعی و سیاسی به بلوغ و پختگی ویژه‌ای در قیاس با دیگر جریان‌های فکری در موضوع دانش و معرفت اسلامی رسیده است. از سوی دیگر، در میان پنج جریان پیش‌گفته، جریان موسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی پیشروترین و گسترده‌ترین آن‌هاست. این جریان علاوه بر بیش از ۵۰ سال فعالیت مستمر و چاپ بیش از ۴۰۰ اثر علمی و پژوهشی، دارای شعبه‌های متعدد در غالب کشورهای اسلامی است. با آنکه شروع این جریان در آمریکا بوده، اما اثرگذاری‌اش در جهان اسلام و به‌ویژه بر نخبگان مسلمان بی‌بدیل است. این جریان در برخی کشورهای اسلامی همانند مالزی و مصر، از صرف اثرگذاری علمی و نخبگانی

۱. شمار جریان‌های فکری ناظر به تولید دانش اسلامی در ایران را می‌توان قریب ده جریان دانست که برخی تئوری‌های تولید علوم انسانی اسلامی را در سه دسته: تئوری‌های مبنایگر، تئوری‌های فرامبنا و تئوری‌های مضاف دسته‌بندی کرده‌اند (پور ۱۳۹۸، ۱۳۳). برخی از الگوهای دیگری برای این دسته‌بندی استفاده کرده‌اند (ابطحی ۱۳۹۵، ۵۹).

فراتر رفته و در ساختارهای آموزشی و مدیریتی به صورت محدود نقش آفرینی کرده است؛ بنابراین مقایسه این دو جریان در موضوع تولید دانش اسلامی برای کشف چگونگی الهام بخشی جریان نوصدرایی برای موسسه و همچنین آورده های موسسه برای تقویت جریان نوصدرایی می تواند برون داده های ارزشمندی برای کل جهان اسلام داشته باشد؛ چراکه هر دو جریان علی رغم ظرفیت ها و توانمندی هایی که دارند از ضعف هایی رنج می برند که ایجاد ارتباط و هم افزایی بین آن ها موجب تقویت متقابل می گردد. علاوه بر اینکه، ادعای این مقاله آن است که جریان نوصدرایی به دلیل توانمندی های عقلی، فلسفی و عرفانی اش می تواند نقاط ضعف فراگیرترین جریان اسلامی سازی دانش را پوشش داده و موجب اثرگذاری بالفعل در امت اسلامی گردد. به تعبیر دیگر، عمده یاری گیری جریان نوصدرایی برای موسسه از جنس بیرونی و بنیادهای اندیشه است، اما کمک موسسه برای جریان نوصدرایی از جنس بیرونی و در سطح بسط و فراهم سازی زمینه های گسترش آن در جهان اسلام است. به همین دلیل است که جریان نوصدرایی متغیر مستقل و الهام بخش جریان دیگر است.

### روش پژوهش

آلبرت هامفری از دانشگاه استنفورد آمریکا در دهه ۷۰ میلادی به منظور ارزیابی برنامه های راهبردی خودشان، روشی را با عنوان SOFT مطرح کرد، این روش بعدها با تغییراتی به روش SWOT ارتقا یافت. این روش در مدیریت راهبردی و همچنین سازمان های تجاری به منظور ارزیابی و ارتقای برون داده های سازمانی بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. از آنجاکه هدف این مقاله بررسی تطبیقی جریان نوصدرایی و موسسه بین المللی است و قصد دارد نشان دهد که چگونه موسسه بین المللی از ضعف ها و خلأهایی برخوردار است که الهام گیری از جریان نوصدرایی می تواند آن ها را جبران کند، لذا این روش با ابعاد چهارگانه خود می تواند چارچوبی نظری برای این بررسی تطبیقی و ارائه راهکارهای عملیاتی فراهم آورده. ضمن آنکه این بررسی تطبیقی خلأهایی را نسبت به جریان نوصدرایی پیش می کشد که ارتباطش با موسسه بین المللی می تواند به رفع آن ها کمک کند. علاوه بر تناسب این روش با هدف مقاله، دوری از پیچیدگی های

۱. مخفف چهار واژه Satisfactory (به معنی رضایت بخش)، Opportunities (به معنی فرصت ها)، Faults (به معنی ایرادها) و Threats (به معنی تهدیدها) ارائه کرد.

گمراه‌کننده و ماتریس آسان استفاده از آن نیز بر اولویت استفاده از این روش در مقاله حاضر افزوده است. روش سوات (SWOT) برگرفته از چهار واژه: نقاط قوت (Strengths)، نقاط ضعف (Weaknesses) فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) است. این چهارگانه از دو حیث قابل دسته‌بندی است. اول اینکه نقاط قوت و نقاط ضعف جزو عوامل درونی قلمداد می‌شوند و فرصت‌ها و تهدیدها جزو عوامل بیرونی هستند. دوم اینکه نقاط قوت و فرصت‌ها، عوامل سازنده و موفقیت‌زا هستند و در مقابل نقاط ضعف و تهدیدها، عوامل مخرب به حساب می‌آیند.

### آنالیز SWOT (سوات)

مخرب	سازنده	
نقاط ضعف	نقاط قوت	عوامل درونی
تهدیدها	فرصت‌ها	عوامل بیرونی

پس از تهیه فهرستی از عوامل چهارگانه هر جریان، به منظور تحلیل داده‌ها باید از چهار راهبرد این روش استفاده کرد. راهبردهای چهارگانه عبارت‌اند از:

راهبرد SO: بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های بیرونی با تمرکز بر نقاط قوت؛

راهبرد WO: بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های بیرونی جهت کاهش نقاط ضعف؛

راهبرد ST: غلبه بر تهدیدهای بیرونی با استفاده از نقاط قوت؛

راهبرد WT: اتخاذ تصمیمات مناسب جهت غلبه بر تهدیدها از طریق مدیریت نقاط

ضعف؛

لازم به ذکر است که محور این مقاله احیای دانش اسلامی در جهان اسلام است. از میان پنج جریان مهم جهان اسلام در احیای دانش اسلامی، موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی به

دلیل سابقه بیشتر، اثرگذاری ملموس تر و مقبولیت عام تر در جهان اسلام انتخاب شده است. از این رو، روش سوات و راهبردهای چهارگانه آن بر روی موسسه و با الهام گیری از ظرفیت های جریان نوصدرایی انجام می پذیرد.

### تحلیل روش شناسی جریان نوصدرایی

صدرالدین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ ق) مشهور به ملاصدرا پایه گذار سومین مکتب فلسفی در جهان است که با عنوان حکمت متعالیه شناخته می شود. پس از او، آموزه های حکمت متعالیه در چهار دوره بسط و تکامل یافت. دوره اول همان مکتب اصفهان است که پس از ملاصدرا سال ها استمرار داشته و به رشد بیشتری رسیده است. با انتقال حوزه های داغ فلسفی به تهران، مکتب تهران شکل می گیرد. سومین دوره را می توان با تلاش های وافر ملاهادی سبزواری دوره سبزواری نامید. دوره چهارم که پایگاه آن را می توان قم دانست توسط علامه طباطبایی و امام خمینی و شاگردان ایشان رقم خورد. مراد از جریان نوصدرایی در این مقاله همین دوره اخیر است که جهان اسلام پس از رویارویی با دنیای مدرن، با چالش های جدی معرفتی، دینی و اجتماعی روبرو شد. جریان نوصدرایی از موفق ترین سنت های فکری جهان اسلام است که توانست با این تفکرات جدید ارتباط گرفته و به نقد، ارزیابی و تعامل با آن ها پردازد. برجستگی دیگر جریان نوصدرایی آن است که در ساحت نظریه و تنوری باقی نمانده، بلکه با رخداد انقلاب اسلامی در ایران به صورت جدی درگیر کنش اجتماعی و سیاسی شد که نتیجه اش رشد و غنای مضاعف آن شد.

جریان نوصدرایی حاصل مواجهه حکمت متعالیه با چالش های نوین دنیای معاصر است. این جریان می کوشد تا با بهره مندی از مبانی فلسفی و ابداعات ملاصدرا در عرصه های مختلف علمی به نظریه پردازی پردازد. مبنای این تفکر بر این محور استوار است که فلسفه به معنای متافیزیک به پرسش های بنیادینی همانند علیت، وجود، وحدت و کثرت می پردازد که در همه علوم و جهان هستی مشترک هستند؛ بنابراین آنچه در متافیزیک به عنوان مبانی و اصول کلان هستی و علم به اثبات می رسد، در دیگر علوم به عنوان اصل مسلم پذیرفته شده و با تکیه بر آن ها به موضوعات خاص خود می پردازند. اینجاست که فلسفه را مادر علوم نامیده اند؛ بنابراین بر اساس این بیان، حکمت متعالیه به عنوان یک متافیزیک جامع، دانشی در کنار دیگر دانش ها و یا پادویی

برای علوم تجربی نیست، بلکه شروع جریان تولید دانش و شاهرهی است که به صدها راه دیگر بازمی‌گردد. مأموریت دانشمندان دیگر علوم این است که با شناخت و محور قرار دادن این مبانی کلان، به موضوعات جزئی هر علم پرداخته و ساختار علم را در این چارچوب شکل دهند.

نوآوری‌های ملاصدرا نیز دودسته‌اند. دسته اول شامل ارائه پاسخ‌های بدیع به پرسش‌های ریشه‌دار تاریخی است که به نحوی بین جریان‌های متعارض وفاق ایجاد کرده است همانند موضوع اصالت وجود و دسته دوم طرح مسئله‌های جدید و نظریه‌پردازی درباره آن‌هاست همانند آنچه در موضوع تشکیک وجود، امکان فقری، اتحاد عاقل و معقول، حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن نفس طرح کرده است. لکن به جهت غنای محتوایی حکمت متعالیه که به نوعی نقطه وفاق جریان کلامی، فلسفی و عرفانی به حساب می‌آید و از سوی دیگر گستردگی و وسعت پدیده‌های نوظهور دنیای مدرن، حتی مرور اجمالی اصول این جریان بسیار طولانی خواهد شد، در این قسمت تنها به مرور مبانی اصلی این جریان در حوزه معرفت و تولید دانش اسلامی اکتفا می‌شود.

گرچه در مورد چیستی و هویت دانش اسلامی، تعاریف مختلفی از سوی نویسندگان جریان نوصدرایی عرضه شده است، لکن نقطه اشتراک همه آن‌ها در این است که دانشی اسلامی است که از مبانی و اصول دینی برخوردار باشد. «اسلامی بودن علوم در نخستین مرتبه به معنای تأثیرپذیری از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی و به بیان دیگر تأثیرپذیری از متافیزیک الهی و دینی است. هستی‌شناسی دینی مستلزم نگاه واقع‌گرایانه، غیر ایدئالیستی و درعین حال توحیدی و غیر ماتریالیستی به موجودات است و نگاه توحیدی به موجودات همه عوالم را آیات و نشانه‌های الهی می‌بیند و بدین ترتیب همه علوم به لحاظ موضوع خود دینی خواهند بود» (پارسانیا ۱۳۹۹، ۵۳۶). به لحاظ هستی‌شناسی، جهان منحصر به عالم ماده نیست، بلکه عالم ماده پایین سطح از نظام تشکیکی وجود است و طبیعت منقطع الاول و الآخر نیست. (آملی ۱۳۸۹، ۱۴۰). در کانون هستی، خداوند متعال به‌عنوان خالق و حافظ جهان قرار دارد که در عالی‌ترین سطح هستی قرار داشته و در واقع دیگر موجودات تجلی ظهور و حضور اویند. به لحاظ معرفت‌شناسی، مسیر کسب دانش محدود به علوم حسی و تجربی نیست، بلکه چهار منبع وحی، شهود، عقل و حس می‌توانند با رعایت ضوابط و شروط خود معرفت‌بخش باشند (واعظی ۱۳۷۸). به لحاظ انسان‌شناسی، انسان خلیفه خداوند بر زمین و عالم صغیری

است بنشسته در گوشه‌ای که از دو ساحت جسم مادی و روح مجرد برخوردار است (یزدی ۱۳۸۹، ۲۲).

ناظر به موضوع تولید دانش اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران، طی چهار دهه گذشته تئوری‌های مختلفی از سوی دو امام انقلاب مطرح شده است. امام خمینی (ره) که خود از طلایه‌داران جریان نوصدرایی است به موضوعاتی چون انقلاب فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه، نقش زمان و مکان در اجتهاد<sup>۱</sup> و تفسیر نظام سیاسی به‌عنوان فلسفه عملی فقه پرداخته است (سبحانی ۱۳۸۵). با رشد انقلاب اسلامی و مواجهه با موضوعات مشخص‌تر، مقام معظم رهبری نیز در ادامه با طرح موضوعاتی چون تهاجم فرهنگی، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نهضت آزاداندیشی و جنبش نرم‌افزاری، مهندسی فرهنگی و الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به دنبال بومی‌سازی مسیر دانش و حرکت اجتماعی بر اساس تعالیم دینی بوده است (سبحانی ۱۳۸۶). خلاصه آنکه جریان نوصدرایی و در تعامل تنگاتنگش با انقلاب اسلامی مسیرش در راستای اسلامی سازی دانش و تولید علم دینی را به‌صورت صعودی طی کرده و به ارائه راهکارهای عملیاتی و نظریه‌پردازی‌های عینی پرداخته است.

### موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی

اسماعیل راجی فاروقی، پایه‌گذار موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی در سال ۱۹۲۱ در شهر یافا در فلسطین به دنیا آمد. از مهم‌ترین نقاط عطف زندگی فاروقی تغییر موضع او از یک پان‌عربیسم و متأثر از فلسفه اروپایی و آمریکایی به یک مسلمان مخلص مروج باورهای دینی، قابل توجه است. اسماعیل فاروقی در کتاب «أسلمة المعرفة» در سال ۱۹۸۴ که سنگ بنای عملیاتی موسسه با آن گذاشته شد، بحث خود را با عنوان «بیماری امت» شروع کرده است. او می‌نویسد: «جهان اسلام در نظر مردمان این زمان «مرد بیماری» است و دشمنان اسلام قصد دارند جهان را به این باور برسانند که عامل همه این مشکلات «دین اسلام» است» (فاروقی ۱۹۸۴، ۲۲). لذا تنها راه برای تجدید دوباره تمدن اسلامی و خروج از این شرایط بحرانی به دلیل تسلط نظام آموزشی سکولار، اسلامی سازی دانش و اصلاح فکر و عقل مسلمان است. اسلامی سازی نقطه

۱. رجوع کنید به مقاله: «دیدگاه‌ها درباره تأثیر عنصر زمان و مکان بر اجتهاد» (رضایی ۱۳۷۵).



شروع بازسازی تمدن اسلامی است؛ چرا که «اسلامی سازی باید با عمق تمدنی به میدان خود ورود کند» (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۳۱).

نویسندگان موسسه تأکید فراوانی دارند که «أسلمة المعرفة» که بعدها به «إسلامية المعرفة» تغییر کرد، یک پروژه است که در زبان عربی به «مشروع» و در انگلیسی با عنوان Project از آن یاد می‌شود.<sup>۱</sup> پروژه اسلامی سازی دانش در نگاه اندیشمندان موسسه دارای ویژگی‌هایی است که ذیل آن‌ها به شرح این نظریه خواهیم پرداخت.

### ۱. پیشینه تاریخی

با اعتقاد اندیشمندان موسسه، شروع پروژه اسلامی سازی مختص و منحصر به دوران معاصر نیست، بلکه جزئی از حرکت‌های اصلاحی و تجددگرایانه در طول تاریخ اسلام است؛ بنابراین ریشه‌ها و پیشینه تاریخی این پروژه را باید در دوران تمدن اسلامی یافت، هر چند پروژه معرفت اسلامی کنونی دارای ویژگی‌های معاصر خود در راستای تغییر، اصلاح و حرکت تمدنی است (ملکاوی ۲۰۱۸، ۵۱). پیشینه تاریخی این پروژه به پنج قرن اول اسلام برمی‌گردد که مسلمانان با رجوع به میراث دیگر تمدن‌ها به ترجمه و مطالعه آن‌ها پرداخته و قسمت‌های متناسب و هماهنگ با تمدن اسلامی را گزینش کرده و وارد ادبیات جهان اسلام کردند. گرچه اندیشمندان موسسه این جریان را در ابتدا که توسط «فلاسفة الاسلام» و سپس معتزله بسط یافت را شکست خورده تلقی کرده، اما اعتقاد دارند که در ادامه مسیر با اصلاحاتی که غزالی و سپس ابن تیمیة با مکتب خاص خودش در رد بر منطق‌گرایان<sup>۲</sup> ایجاد کردند به اصلاح گرایید. سپس ابن رشد بود که تلاش‌هایی در شرح و آسان‌سازی و تنقیح فلسفه داشت. او بر موضوعات علوم عقلی و علوم

۱. مدیران موسسه بر استفاده از عنوان «مشروع إسلامية المعرفة» اصرار دارند (ملکاوی ۲۰۱۸، ۵۰). این اصرار دو دلیل عمده دارد، اول اینکه تولید دانش اسلامی صرف یک نظریه یا فعالیت ذهنی نیست، بلکه با حوزه عمل و فعالیت‌های اجرایی مثل برگزاری کنفرانس‌ها، نگارش و چاپ کتاب، ایجاد ساختار آموزشی و امثال آن نیز مرتبط است. دیگر اینکه معرفت اسلامی یک امر ثابت و ایستا نیست، بلکه یک فرآیند مستمر در حال رشد است که گام به گام به موفقیت‌هایی می‌رسد و هر موفقیتی، مقدمه‌ای است برای موفقیت‌های بعدی و گاه باید به قبل برگشت و در نتایج قبلی تجدید نظر کرد (علوانی ۱۹۹۶، ۹). لذا از آنجا که باب مراجعه مستمر و اصلاح و تکمیل همیشه باید گشوده باشد، بهترین عنوان برای این منظور «مشروع إسلامية المعرفة» است.

۲. «فكانت له مدرسة المتميزة في الرد على المنطقيين» (ملکاوی ۲۰۱۸، ۸۶).

طبیعی یونان تأکید داشت و ضمن اهمال نسبت به جنبه‌های روش شناسانه دوگانه به‌نقد‌های غزالی بر فلسفه پرداخت (ملکاوی ۲۰۱۸، ۸۶). با این سیر تاریخی، عملاً زمانی این پروژه به موفقیت می‌رسد که از جنبه عقلی خود خارج‌شده و رنگ و بوی اشعری‌گری از نوع غزالی و ابن تیمیه را پیدا می‌کند.

بنابراین تولید دانش اسلامی در دوران معاصر را نمی‌تواند و نباید از نقطه صفر شروع کرد. جهان اسلام در قرون متمادی و در دوران اوج خود آثار علمی و میراث گران‌سنگی را عرضه کرده است که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت. (خلیل ۲۰۰۶، ۴۰). از این رو، نادیده گرفتن چنین میراث عظیمی یک خسارت بزرگ و اشتباهی جبران‌ناپذیر است. «مکاتب عقلی و نقلی در جهان اسلام بسیار است، و همین تنوع و کثرت مهم‌ترین مبنای ارتقای تمدن اسلامی و پیشی گرفتن بر دیگر امت‌هاست» (محمد ۱۹۹۱، ۱۵۴).

## ۲. تعریف اسلامی سازی

اندیشمندان موسسه در طول چند دهه فعالیت خود دست‌کم چهار تعریف برای اسلامی سازی ارائه داده‌اند. اولین آن‌ها در سال ۱۹۸۳ از سوی فاروقی ارائه‌شده که مرادش از اسلامی سازی معرفت، ایجاد ساختار آموزشی اسلامی با خروج از دوگانه نظام آموزشی سکولار و سنتی به‌سوی یک نظام واحد یکپارچه است. «پروژه اسلامی سازی معرفت (مرادم به‌صورت دقیق اسلامی سازی علوم است یا به معنای روشن‌تر تولید کتاب‌های درسی دانشگاهی در حدود ۲۰ رشته علمی مطابق با معارف اسلامی) از سخت‌ترین کارهاست» (فاروقی ۱۹۸۳، ۳۱). تعریف دوم از سوی طه جابر علوانی در سال ۱۹۹۶ با عنوان «الجمع بین القرائین» عرضه‌شده است. دو کتاب تدوین و تکوین، دو وجه از یک حقیقت هستند که شناخت این حقیقت پیچیده بدون التفات به وجوه مختلف و تجلیات متفاوت آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین اسلامی سازی یعنی در تولید دانش هم باید به جهان مادی (تکوین) و هم به قرآن و سنت (تدوین) مراجعه کرد. تعریف سوم از سوی محمد ابوالقاسم در سال ۲۰۰۳ طرح‌شده و بیشتر ناظر به نفی معنای پوزیتیویستی از علم است. «اسلامی سازی معرفت به معنای قطع ارتباط بین تولیدات علمی تمدنی بشر از احاله دادن‌های فلسفی پوزیتیویستی در اشکال مختلف خود و به خدمت‌گیری جدید این علوم در ضمن یک نظام روشی و معرفتی دینی و غیر پوزیتیویستی است» (ابوالقاسم ۲۰۰۳،

۳۱). چهارمین تعریفی که از سوی اندیشمندان موسسه ارائه شده نشان‌دهنده نوعی دقت، عمق و همچنین فرآیند روبه‌رشد این جریان است. عمادالدین خلیل در سال ۲۰۰۶ اسلامی بودن یا اسلامی سازی معرفت را این‌گونه شرح می‌دهد: «اسلامی بودن یا اسلامی سازی معرفت به معنای پیگیری تلاش معرفتی نسبت به هستی، زندگی و انسان در مسیر کشف، تجمیع، ترکیب، رساندن به مخاطب و نشر از منظر اندیشه اسلامی است» (خلیل ۲۰۰۶، ۹). علاوه بر خروج از رویکرد تهذیبی و ارائه بنیاد تأسیسی برای تولید معرفت اسلامی، توجه به مخاطب و حوزه نشر و انتشار دانش نیز جزئی از پروژه تولید دانش اسلامی به حساب می‌آید.

### ۳. هدف پروژه

کلان هدف پروژه تولید دانش اسلامی از منظر موسسه حرمت به سمت ایجاد تمدن اسلامی است. اسلامی سازی هدف نهایی موسسه نیست، بلکه وسیله‌ای است برای هویت‌بخشی به مسلمانان و تربیت آن‌ها تا بتوانند در ایجاد تمدن نقش آفرین باشند. چنین بیانی نشان می‌دهد که هدف اولی و اصلی از اسلامی سازی، تربیت شخصیت انسانی و ایجاد تمدن اسلامی است. به این نکته در عبارت‌های دیگران نیز اشاره شده است. «پروژه اسلامی سازی معرفت، دروازه شروع تمدن جدید بشری است» (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۹۲). دیگر اهداف از جمله رهایی از نظام آموزشی سکولار، پیوند امت اسلامی به مبادی و غایاتش و تحقق انسانیت در مقایسه با این هدف اساسی، اهداف جزئی به حساب می‌آیند.

### ۴. توحیدمحوری

همان‌گونه که توحید اولین مبدأ برای اسلام است، هر آنچه بخواهد اسلامی باشد نیز باید برمدار توحید شکل بگیرد. فاروقی و پیروان او، تأکید خاصی بر محوریت توحید در همه فعالیت‌ها و نظریه‌پردازی‌های خود دارند. او تصریح دارد که ذات تمدن اسلامی، اسلام است و ذات و جوهر اسلام نیز توحید است. «شکی در این موضوع وجود ندارد که جوهر تمدن اسلامی، اسلام است و جوهر اسلام توحید است» (الفاروقی ۱۹۹۸، ۱۳۱).

## ۵. روش‌شناسی

جریان موسسه طی قریب به پنج دهه فعالیت، سه ظرفیت روش‌شناسی برای تولید دانش اسلامی عرضه کرده‌اند. ظرفیت اول، بهره‌گیری از قرآن کریم و استخراج روش‌شناسی دانش اسلامی از آیات قرآن است. ظرفیت دیگر برای روش‌شناسی دانش اسلامی، بهره‌گرفتن از مقاصد الشریعه در فقه است. سومین روش مورد استفاده متفکرین موسسه که در دهه اخیر به آن التفات پیدا کرده‌اند، استفاده از ظرفیت فلسفه اسلامی است که برخلاف دو ظرفیت سابق از پشتوانه ضعیفی در آن برخوردارند. هر سه روش قرآنی، مقاصدی و فلسفی هم‌اکنون در کانون توجه اندیشمندان موسسه قرار دارد.

استفاده از قرآن کریم برای استخراج روش‌شناسی تولید دانش اسلامی از محورهای مورد توجه این جریان است. در یک سیر تاریخی، حداقل چهار مرحله می‌توان برای این روش‌شناسی مطرح کرد. مرحله اول را خود فاروقی در کتاب *اطلس الحضارة الإسلامية* بیان کرده است. دومین مرحله که به نوعی تکامل یافته‌تر است را می‌توان به منتصر محمود مجاهد نسبت داد (مجاهد ۱۹۹۶، ۲۹). سومین مرحله توسط عمادالدین خلیل و با عنوان مبانی قرآنی علم عرضه شده است (خلیل ۲۰۰۶، ۲۶). چهارمین مرحله مربوط به محمد ابوالقاسم حاج حمد است که در کتابی با عنوان «روش‌شناسی معرفتی قرآن» مطرح شده و مهم‌ترین حرکت ایجابی موسسه در راستای ارائه روش‌شناسی برای تولید دانش اسلامی از قرآن کریم است. محمد ابوالقاسم در فصل دوم این کتاب به تأسیس شش اصل کاربردی به منظور شکل‌دهی به روش‌های علوم طبیعی و انسانی و اجتماعی بر اساس روش‌شناسی معرفتی قرآن می‌پردازد تا متخصصان در رشته‌های مختلف اقدام به عملیاتی‌سازی این اصول در حوزه مطالعاتی خود کنند است<sup>۱</sup> (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۱۱۲). این اصول عبارت‌اند از: روش‌شناسی معرفت‌کارکردی، معرفت‌کارکردی و نه نسبی‌درویش

۱. «عدم الفصل بین مناهج العلوم الطبيعية و مناهج العلوم الإنسانية و الاجتماعية: یقرر القرآن، تماماً كما یقرر فلسفة العلوم الطبيعية أن الإنسان بدنا و حواس و كذلك نفساً و عقلاً هو مولود طبیعی للمجال الكونی، و بالتالی یمكن أن تتسحب علیه و علی أطره الإدراكية و سلوكياته النفسية و الإجتماعية كافة القوانين و النظريات المتولدة عن العلوم الطبيعية، ثم تفترق (النهايات) المنهجية المعرفية للقرآن افتراقاً جذرياً عن النهايات المنهجية المعرفية لفلسفة العلوم الطبيعية الأخرى، فالأولى و هی المنهجية المعرفية القرآنية تنتهی بالكون الطبيعي إلى مفهوم (الخلق) فی حين الثانية و هی المنهجية المعرفية لفلسفة العلوم الطبيعية إلى مفهوم (التشیؤ) و الفارق بین المفهومين ان الخلق أكبر من التشیؤ» (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۱۱۲).

قرآنی، ارتباط بین روش‌شناسی خلقت و روش‌شناسی ایجاد، روش‌شناسی خلقت و معرفت کارکردی برای علوم، ترکیب طبیعی انسان در ارتباطش با زمان و تغییر و تولید اندیشه و ششم، غایت‌گرایی هستی‌شناختی دوگانه.

استفاده از اجتهاد اسلامی در قالب رویکرد مقاصدی دومین روش موسسه برای حل بحران‌های فکری امت اسلامی در دوران معاصر و اسلامی‌سازی علوم دینی و انسانی است. به اعتقاد اندیشمندان موسسه، بسته شدن باب اجتهاد، از بزرگ‌ترین بلاهای وارد شده بر عقل مسلمان است. نتیجه متوقف شدن اجتهاد، تأثیر خود را به شکل واضح و فجیعی بر سرنوشت امت اسلامی گذاشته است، به‌گونه‌ای که فقط باب اجتهاد فقهی بسته نشده، بلکه بهره‌گیری از عقل و تلاش‌های فکری در عرصه‌های مختلف متوقف شده است. ثمره این توقف، فراگیر شدن تقلید همگانی و مشابَهت و رزوی با بیگانه و عقب‌افتادگی تمدنی بوده است؛ چرا که وقتی کسی عقلش دچار آسیب می‌شود، نمی‌توان انتظار پیشرفت در هیچ زمینه‌ای از او داشت (عبید ۱۹۹۸، ۱۲۹). این دغدغه موجب گردیده که طرفداران موسسه به‌سوی فقه مقاصدی پیش بروند و در هر مسئله ابتدا مقاصد الشریعه را کشف کرده و سپس بر اساس آن کم کنند.

سومین ظرفیت روش‌شناسی برای تولید دانش اسلامی، بهره‌گیری از فلسفه اسلامی است. گر چه اندیشمندان موسسه به دلیل ریشه‌های اشعری‌گری خود به‌طور سنتی با فلسفه زاویه‌دارند و برخی از آن‌ها عبارات بسیار تنیدی علیه فلسفه ابراز کرده‌اند، اما در یکی دو دهه اخیر طیفی از اندیشمندان موسسه متوجه خلأ فقدان روش عقلی برای سامان‌دهی علوم اسلامی شده‌اند و از این رو تلاش‌هایی برای زنده کردن فلسفه اسلامی به خرج داده‌اند. کتاب «الفلسفة فی الفکر الإسلامی» نمونه‌ای از تلاش‌های اخیر موسسه برای توجه ویژه به فلسفه است. نویسندگان کتاب معتقدند فلسفه اسلامی اگر قصد حضور جدی و تأثیرگذار دارد، چاره‌ای جز این ندارد که چشمانش را بر تحولات فکری بزرگی که در جهان رخ داده، بگشاید. فلسفه اسلامی باید بتواند با برقرار تعاملی سازنده با محصولات علمی و فلسفی جدید در عرصه‌های مختلف و در عین حال بهره‌گیری از ارشادات وحی الهی و منظومه ارزش‌های اسلامی به نقش‌آفرینی جدی بپردازد. (عکاشه ۲۰۱۲، ۵۸۴-۵۸۶). تلاش برای تغییر موضع نسبت به فلسفه در این عبارات کاملاً به چشم می‌خورد.

۱. به عنوان مثال رجوع کنید به یوسف قرضاوی: (Al-Qardawi 1987, 28).

## ۶. گستره اسلامی سازی

به اعتقاد متفکران موسسه همه علوم قابلیت طرح مسئله اسلامی سازی را دارند، اما به این معنا نیست که نسبت آن‌ها با اسلامی سازی هم در یک رتبه قرار دارد. علمی مانند هندسه، جبر، مثلثات، ریاضیات به شکل عمومی، آمار، شیمی و چه بسا زمین‌شناسی ارتباط مستقیم با اسلامی سازی ندارند، هر چند نتایج و چگونگی تعامل با آن‌ها دارای ارتباط مستقیم با اندیشه اسلامی است. اما علوم انسانی همانند تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، اقتصاد، سیاست، مدیریت، آداب و انواع هنر در درجه اول از اهمیت و اولویت قرار دارند (خلیل ۲۰۰۶، ۲۱). بنابراین یک اولویت‌بندی و همچنین سطح‌بندی بین علوم مختلف در ارتباط با بحث اسلامی سازی وجود دارد، با آنکه هیچ‌یک از دایره اسلامی سازی خارج نیست. از سوی دیگر موضع‌گیری‌های این جریان نسبت به علوم رایج جهان اسلام همانند کلام، تصوف و عرفان اسلامی و علم حدیث قابل توجه است.

## علم کلام

اندیشمندان سنتی موسسه ورود به مباحث کلامی را بی‌مورد و لغو دانسته و بر پابندی عملی به دین تأکید دارند. محمد غزالی اشاره دارد که گاهی سؤالات کلامی در مورد خداوند و یا برخی مفاهیم مثلاً معنای «الرحمن علی العرش استوی»<sup>۱</sup> به ذهنم خطور می‌کند، اما با خودم تصمیم گرفتم که آن‌ها را کنار بگذارم. نسل اول از صحابه و تابعین نیز از چنین مباحثی اعراض داشته‌اند و به جای آن همت خودشان را مصروف تعلیم دین و دعوت به آن قرار داده‌اند (محمد ۱۹۹۱، ۵۵)، به همین دلیل او تأکید دارد که من از بحث در نظریات کلامی اجتناب کرده‌ام و به جنبه‌های عملی در فقه و رفتار اهتمام ورزیده‌ام (محمد ۱۹۹۱، ۱۴۶). عمادالدین خلیل نیز به همین منوال معتقد است که جدل‌های بین فرقه‌ای و انواع بسط یافته علم کلام، همانند فلسفه جزو بخش‌های کم‌ارزش میراث اسلامی و غیر مفید برای بشریت است (خلیل ۲۰۰۶، ۴۵). بنابراین اولین کلیدواژه موسسه نسبت به علم کلام، کم‌ارزش بودن محتوای آن و بی‌ثمر بودن جدل‌های کلامی است. چنین موضع‌گیری به‌طور طبیعی منجر به مبنای تعطیل در مباحث عمیق معارفی و اعتقادی می‌گردد.

۱. سوره فرقان، آیه ۵۹.

## تصوف و عرفان اسلامی

نویسندگان موسسه نسبت به تصوف و عرفان اسلامی که از آن به باطنیه یاد می‌کنند، موضع تقریباً یکدست و تهاجمی دارند. هر دو سوی طیف موسسه از سنتی‌ها گرفته تا تحصیل‌کردگان در غرب نسبت به تفکرات باطنیه نگاه منتقدانه و منفی دارند. در مجموع اتفاق نظری بین اندیشمندان موسسه در محکومیت جریان باطنیه وجود دارد که به لحاظ فکری دچار انحراف هستند و به لحاظ سیاسی و اجتماعی آسیب‌های زیادی به جهان اسلام زده‌اند. محمد غزالی ریشه عمده مباحث عرفانی به‌ویژه اندیشه‌های ابن عربی را از جهان مسیحیت می‌داند. او می‌نویسد: «بر بخش‌هایی از فتوحات مکیه ابن عربی اطلاع یافتیم و با خود گفتیم: سزاوار است فتوحات رومیة نامیده شود! چرا که واتیکان طمعی برای دسیسه علیه جهان اسلام بدتر از این لغو ندارد...» (محمد ۱۹۹۱، ۶۰). او به برخی از اندیشه‌های تثلیث در آرای ابن عربی اشاره کرده و بر این باور است که نه تنها خواص که عوام از مسلمانان نیز می‌دانند که ریشه این حرف‌ها در مسیحیت است.<sup>۱</sup>

## اهل حدیث و تفکر سلفی

اعتراض به اهل حدیث، ظاهرگرایی و تفکر سلفی از جمله کلیدواژه‌های مشترک جریان موسسه است. پرداختن به نقد سلفی‌گری و ظاهرگرایی غالباً در بین طیف سنتی موسسه قابل مشاهده است. مهم‌ترین ریشه ظاهرگرایی و جمود بر ظواهر، ضعف تفکر و ناتوانی در اندیشه و خرد است. غزالی می‌نویسد، «ریشه‌های پشت پرده تدین صوری [به ظواهر] در قصور عقل و غرور کور است» (محمد ۱۹۹۱، ۸۴). و البته در کنار ضعف تفکر و اندیشه، دلدادگی افراطی و کورکورانه و ترس از فقدان ایمان نیز بی‌تأثیر نیست. دیگر آنکه آسیب‌ها و خطرات ناشی از ظاهرگرایی تنها متوجه خود فرد نیست، بلکه گاهی به مجموع جامعه اسلامی آسیب می‌زند. رواج سلفی‌گری و فرصت‌عرض‌اندام برای جماعت سنت‌گرای اهل ظاهر موجب وارد شدن ضربه به اسلام واقعی می‌گردد. «اگر برای این افراد اهل ظاهر صدایی برای شنیدن باقی بماند، بدون شک جریان بیداری اسلامی به شکست خواهد رسید» (محمد ۱۹۹۱، ۵۸).

۱. محمد غزالی در مورد ابن عربی به صراحت می‌گوید: «و ابن عربی عابث کذب...» (محمد ۱۹۹۱، ۶۲).

## ۷. دیگر مفاهیم برجسته

برخی از مفاهیم در ادبیات نویسندگان موسسه از برجستگی و بسامد فراوان برخوردار است. در اینجا به سه مورد شامل: تربیت شخصیت مسلمان، غیب و وسط‌گرایی اسلامی اشاره می‌کنیم. تربیت شخصیت مسلمان معاصر نیز از مفاهیم کلیدی موسسه است و به معنای ساخت شخصیت انسانی بر اساس مبادی اسلامی به منظور تربیت شخص و در نتیجه ایجاد امت اسلامی است. با آنکه قریب به اتفاق نویسندگان موسسه به این موضوع پرداخته‌اند، در این میان عمر عبید حسنه پرداخت ویژه‌ای به این موضوع دارد. او موضوع تربیت شخصیت فرد مسلمان را در اولویت اول قرار داده؛ چرا که این فرد مسلمان است که می‌تواند ارزش‌های اسلامی را در واقع عملی تحقق ببخشد (عبید ۱۹۹۸، ۷۶). بر این اساس، مأموریت فلسفه تربیت اسلامی «ایجاد توانمندی برای تحقق مشارکت دوسویه بین انسان و مبانی اسلامی است که نتیجه‌اش تربیت فرد مسلمان و ایجاد امت اسلامی است» (عبید ۱۹۹۸، ۸۵). چنانکه در تعریف هم روشن است، محور امت سازی و حتی اسلامی سازی بر تربیت فرد مسلمان است.

مفهوم غیب از مفاهیم کلیدی پروژه اسلامی سازی موسسه است که معنا و جایگاه ویژه خود را دارد. فقدان توجه به عالم غیب از جمله نقدهای موسسه به علم مدرن است. اندیشمندان این جریان سعی می‌کنند با بازسازی جایگاه غیب و بازیابی مفهوم آن، بتوانند آن را در جایگاه مناسب خود برای پروژه اسلامی سازی قرار دهند. محمد ابوالقاسم معتقد است، «إن المشكلة كامنة في تفهم البعد الغيبي تفهماً منهجياً و معرفياً» (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۴۶). بنابراین بخشی از اهتمام پروژه اسلامی سازی باید مصروف تولید یا ارتقای این روش‌شناسی گردد.

وسط‌گرایی اسلامی از جمله راهبردهای پرسامد اندیشمندان موسسه به ویژه در پروژه اسلامی سازی است. تقریباً همه نویسندگان موسسه به نوعی بر امت و وسط بودن جهان اسلام تأکید کرده‌اند.<sup>۱</sup> وسط‌گرایی اسلامی بر این اصل استوار است که منطق حاکم در هر دو طرف نقیض را درک کند و با جمع بین هر دو وجه مثبت موضع فعال در وسط را اتخاذ کند. محمد عماره معتقد است این وسط‌گرایی جامع می‌تواند بسیاری از دوگانه‌های تفکر اسلامی همانند: روح و جسم، دنیا و آخرت، دین و دولت، فرد و جامعه، فکر و واقع، اهداف و ابزار، ثابت و

۱. به عنوان نمونه می‌توان به محمد ابوالقاسم حاج حمد در «منهجية القرآن المعرفية» اشاره کرد (ابوالقاسم ۲۰۰۳، ۵۱).



متغیر، عقل و نقل، دین و علم، اجتهاد و تقلید و غیره را حل کند (عماره ۲۰۰۹، ۷۷-۸۰).

### تحلیل روش‌شناسی جریان موسسه

بر اساس چهارگانه روش سوات، به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جریان موسسه به صورت تفکیک‌شده اشاره می‌کنیم.

### نقاط قوت موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی

با توجه به شرحی که از پروژه موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی به دست دادیم، به مهم‌ترین نقاط قوت آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- این جریان به موضوع تمدن اسلامی توجه دارد و در مسیر خود سعی دارد یک رویکرد تمدنی که منجر به ایجاد تمدن نوین اسلامی شود را اتخاذ کند. در واقع، اسلامی‌سازی قطعه‌ای از جورچین بزرگ تمدن اسلامی است.
- تفاوت و یا تعارض جهان اسلام با غرب یک تعارض عمیق و در سطح تمدنی است.
- بحران فکر در جهان اسلام موضوع اصلی است و تا حد زیادی ناشی از علم سکولار و نظام آموزشی غربی است که باید برای آن چاره‌اندیشی شود.
- این جریان توجه دارد که موضوع اسلامی‌سازی در سابقه تاریخی تمدن اسلامی وجود داشته و همان تجربه حاصل از قرن‌های اولیه در جهان اسلام می‌تواند الهام‌بخش باشد.
- تلقی آن‌ها از تمدن غرب به‌عنوان یک تمدن بحران‌زده و غیر قادر بر حل بحران‌های جدید است که به نوعی امیدی به آن نمی‌توان بست.
- این جریان توجه ویژه‌ای به میراث اسلامی دارد و آن‌ها به شروع از صفر معتقد نیستند، بلکه اصرار دارند که باید از ذخایر پیشین جهان اسلام بهره گرفت.
- این جریان توانسته در طی قریب به پنج دهه فعالیت خود، سرزندگی و استمرارش را حفظ کرده و در عین حال در بسیاری از موضوعات به عمق و درک صحیح‌تری از مسائل برسد.
- فرآیند اسلامی‌سازی و تولید دانش اسلامی یک پروژه تلقی می‌شود که دائم در حال اصلاح و به‌روزرسانی است و این یک نقطه مثبت به حساب می‌آید.
- تولید دانش اسلامی یک فعالیت جنبی و یا یک عمل مطلوب صرف نیست، بلکه یک ضرورت است که نباید در تحقق آن هیچ وقفه‌ای حاصل گردد.

- آن‌ها بر جهانی بودن علم اسلامی و عدم محدودیت آن در یک جغرافیای خاص تأکید دارند.
- اندیشمندان موسسه توجه ویژه به موضوع روش‌شناسی داشته و تلاش‌هایی برای استخراج روش اسلامی انجام داده‌اند.
- آن‌ها بر موضوع تعامل فکر با واقع عینی تأکید زیادی دارند و حل بحران جهان اسلام را در چاره‌جویی این دوگانه می‌دانند.

### نقاط ضعف موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی

- این جریان اجتهاد سنتی را نقد کرده و برای تحول در فقه و اسلامی کردن علوم مدرن گرایش شدیدی به فقه مقاصدی پیدا کرده است.
- با اینکه اصل هفتم فاروقی جامع‌گرایی در روش و ابزار است و با وجود تأکید بر اهمیت میراث اسلامی، آن‌ها بخش مهمی از آن میراث از جمله مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی و صوفیانه را نادیده می‌گیرند.
- محور قرار دادن علوم غربی در فرآیند تولید دانش اسلامی به‌ویژه در نسل‌های اولیه یکی از نقاط ضعف این جریان است که در دهه‌های بعد تا حدودی ترمیم شده است. این همان رویکرد تهذیبی در مقابل رویکرد تأسیسی است.
- با آنکه بر لزوم غربالگری میراث اسلامی تأکید فراوان دارند، اما عملاً معیارهای روشن و قابل ارزیابی جهت این غربالگری ارائه نداده‌اند.
- اندیشمندان موسسه تأکید دارند که علم اسلامی وجه جهانی دارد و برای همه انسان‌ها و مؤمنین مفید و قابل بهره‌برداری است، اما در تبیین وجه جهانی بودن آن ناتوان هستند.
- با وجود آنکه از همان ابتدا به اهمیت روش‌شناسی توجه داشته‌اند، اما عملاً در این چند دهه نتوانسته‌اند این تلاش را به ثمر برسانند.
- هویت علم برای این جریان چندان شفاف و روشن نیست و همین امر موجب پذیرش معنای پوزیتیویستی از علم و محور قرار دادن آن شده است.
- تولید دانش اسلامی نزد این جریان به علوم انسانی محدود مانده و پیاده‌سازی این پروژه در علوم طبیعی به اهداف و نحوه استفاده محدود شده و توجهی به تأثیرگذاری مبانی در محتوای علوم طبیعی نمی‌شود.

- در آثار این جریان، همچنان برخی مفاهیم کلیدی مثل رابطه عقل و وحی مبهم و غیر شفاف هستند.
- آن‌ها از قرآن کریم توقع بیش از حد دارند و انتظار دارند قرآن به آن‌ها روش (نه اصول و مبانی) تولید علم و اسلامی سازی عطا کند.
- باوجود تأکید بر موضوع غیب و تلقی آن به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تمایز تمدن اسلامی از تمدن غرب، اما توان و ابزار کافی برای بحث در آن را ندارند.

### فرصت‌های موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی

- مقر اصلی و خاستگاه شروع این جریان آمریکاست و این می‌تواند یک فرصت جدی به حساب بیاید.
- این جریان توانسته طی چند دهه فعالیت در غالب کشورهای اروپایی و همچنین کشورهای اسلامی اقدام به گسترش فعالیت و تأسیس شعبه کند.
- اعضای این جریان دارای تنوع بالایی از ملیت‌ها و زبان‌های مختلف هستند که خاصیت چند فرهنگی زیادی به آن‌ها داده است.
- اندیشمندان و متفکرین جهان اسلام شناخت قابل قبولی از این جریان دارند و تا حدودی نیز از آن‌ها متأثرند.
- محوریت توحید و توجه به میراث اسلامی می‌تواند حلقه اتصال و ارتباط‌گیری بین این جریان و دیگر جریان‌های اسلامی باشد.

### تهدیدهای موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی

- این جریان در ارتباطات سیاسی به شدت محافظه‌کار هستند و تأکید زیاد بر تربیت شخصیت مسلمان موجب شده تا از ورود به حوزه عملیات و یا فعالیت‌های سیاسی خودداری کنند.
- باوجود ارتباطات گسترده در کشورهای مختلف جهان اسلام، از پیشرفت‌های علمی و آثار منتشر شده در ایران بسیار ناآگاه و کم‌اطلاع هستند.
- به دلیل حضور در بستر غرب، امکان تأثیرپذیری شدید از اندیشه‌های غربی به‌ویژه

- تفکرات پست مدرن را دارند.
- آن‌ها در نسبت تعامل فکر و واقع، زمینه‌های کافی برای اجرا و عملیاتی سازی ندارند. زمانی عربستان از آن‌ها حمایت مالی و اجرایی می‌کرد، اما سال‌هاست کنار کشیده است.
- در فقه مقاصدی زمینه تأثیرپذیری‌شان از عقل عرفی و داده‌های امروزی تفکرات پست مدرن بسیار بالاست، چنانچه برخی آرای جدیدشان در موضوعات فقهی نشان‌دهنده همین موضوع است.
- توجه به اهمیت فلسفه اسلامی پیدا کرده‌اند ولی بسترها و عقبه لازم و کافی را برایش ندارند و یک لغزشگاه است.
- مواضع بسیار تند و منفی نسبت به عرفان و تصوف دارند در حالی که این جریان در جای‌جای جهان اسلام دارای ردپا و آثار باقی مانده از گذشته است و نفوذ بالایی بر عموم مسلمانان دارند. نادیده گرفتن آن‌ها یعنی حذف یک ظرفیت بسیار بالای تمدن در جهان اسلام.
- بحث‌های کلامی به‌ویژه در دنیای امروز و موضوعات مرتبط با فلسفه دین خیلی در حفظ مبانی و محافظت از اندیشه‌های اسلامی نقش دارند، اما آن‌ها این مباحث را لغو و بی‌ارزش می‌دانند.
- این جریان عجله زیادی برای عملیات و تغییر واقع خارجی دارد، لذا ورود جدی و وقت کافی برای مباحث بنیادین و نظری اختصاص نمی‌دهند. این همان غلبه رویکرد پراگماتیسمی و کارکردگرایان فضای فلسفه تحلیلی و آمریکاست.

### تحلیل و ارزیابی

دو جریان نوصدرایی در ایران و موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی در جهان اسلام دارای اشتراکات و دغدغه‌های اسلامی نزدیک به هم هستند، لکن تفاوت‌ها و کاستی‌هایی دارند که لازم است با به اشتراک‌گذاری توانمندی‌ها و پوشش کاستی‌ها، مسیر حرکت امت اسلامی به سوی اهداف بلند و بازآفرینی تمدن اسلامی را هموارتر کنند. جریان موسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های احیای دانش اسلامی که دارای اشتراکات فراوانی با دیگر

جریان‌های رقیب است، زمینه‌های فراوانی برای رشد و کاستن از نقاط ضعف خود دارد که در ادامه با الهام‌گیری از جریان نوصدرایی و توجه به ظرفیت‌های آن در قالب راهبردهای چهارگانه روش سوات تحلیل و تبیین پروژه احیای دانش اسلامی می‌پردازیم.

#### راهبرد SO: بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های بیرونی با تمرکز بر نقاط قوت؛

ردیف	عنوان
۱	استفاده از رویکرد تمدنی و اینکه اسلامی سازی قطعه‌ای از جورچین بزرگ تمدن اسلامی است به‌عنوان عنصر مشترک جهت ارتباط‌گیری مؤثرتر با جریان‌های موفق جهان اسلام از جمله جریان نوصدرایی؛
۲	الهام‌گیری از جریان نوصدرایی در تبیین و تعمیق مباحث تمدنی به‌ویژه وجوه تعارض تمدن اسلامی با تمدن غرب؛
۳	توجه بیشتر به موضوع اسلامی سازی در سابقه تاریخی تمدن اسلامی و پرهیز از گزینش‌های نابجا با الگوگیری از جامع‌گرایی جریان نوصدرایی؛
۴	تقویت همراهی با دیگر جریان‌های اسلامی از جمله نوصدرایی در اینکه تمدن غرب یک تمدن بحران‌زده و غیر قادر بر حل بحران‌های جدید است که امیدی به آن نمی‌توان بست.
۵	تقویت پیوند بیشتر با میراث جهان اسلام با تأکید بر اهمیت ویژه سنت اسلامی و یاری‌گیری از جریان نوصدرایی در تقویت مبانی فلسفی، کلامی و عرفانی؛
۶	تبیین عالمانه جهانی بودن و فراگیری علم اسلامی و عدم محدودیت آن در یک جغرافیای خاص به‌ویژه با کمک از دست آوردهای عمیق جریان نوصدرایی؛
۷	به سرانجام رساندن پروژه‌های روش‌شناسی تولید دانش اسلامی، با توجه به تأکید آن‌ها بر اهمیت روش و توانمندی‌های جریان نوصدرایی در این موضوع؛
۸	حضور مراکز اصلی جریان موسسه در غرب موجب ایجاد فرصت تعامل با نخبگان مسلمان حاضر در این کشورها و همچنین ارتباط با برخی دست آوردهای مفید آنجا شده است.
۹	لزوم حفظ و تقویت خاصیت تنوع فرهنگی موسسه به دلیل تنوع بالای ملیتی و زبانی اعضای موسسه و ایجاد زمینه تعامل گسترده با همه بخش‌های جهان اسلام؛
۱۰	تقویت اثرگذاری بیشتر بر جهان اسلام با تعامل سازنده‌تر با جریان نوصدرایی با توجه به مقبولیت و پذیرش موسسه در بین نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام؛
۱۱	تمرکز بر محوریت توحید و میراث اسلامی به‌عنوان حلقه اتصال جریان‌های مختلف جهان اسلام، البته با تقویت مبانی و فهم عمیق‌تر از آن‌ها در تعامل با جریان نوصدرایی؛

## راهبرد WO: بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های بیرونی جهت کاهش نقاط ضعف؛

ردیف	عنوان
۱	مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی و صوفیانه بخش مهمی از میراث اسلامی هستند که نادیده انگاشتن آن‌ها موجب حذف بخش مهمی از میراث می‌گردد.
۲	استمداد از جریان نوصدرایی در جهت کسب و تقویت ابزارهای غربالگری میراث اسلامی؛
۳	توجه بیشتر به تجربه موفق جریان نوصدرایی در اداره جامعه و علوم تجربی و پایه؛ چرا که اسلامی سازی منحصر به علوم انسانی نیست؛
۴	نزدیکی و تعامل با جریان نوصدرایی جهت تقویت مبانی نظری و فهم عمیق‌تر از مسائلی چون هویت علم، وجوه جهانی بودن علم اسلامی، طبقه بندی علوم و روش تولید دانش اسلامی؛
۵	توسعه ارتباط گسترده‌تر با اندیشمندان و نخبگان ایرانی به‌ویژه به دلیل تجربه موفق جمهوری اسلامی از طریق تعامل با جریان نوصدرایی؛

## راهبرد ST: غلبه بر تهدیدهای بیرونی با استفاده از نقاط قوت؛

ردیف	عنوان
۱	تقویت جریان اسلامی سازی و تولید دانش اسلامی با بهره‌گیری از جامع گرایی جریان نوصدرایی جهت غلبه بر علم سکولار و نظام آموزشی غربی به‌عنوان یک تهدید جدی
۲	حفظ نشاط و استمرار علمی جریان موسسه پس از ۵ دهه فعالیت به‌منظور پیگیری اهداف بلندمدت و اجتناب از حرکت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت؛
۳	تقویت تلقی اسلامی سازی به‌عنوان یک پروژه در حال اصلاح و بروز رسانی جهت جلوگیری از جمود و توقف در اندیشه ورزی؛
۴	محوریت دادن به موضوع احیای دانش و اندیشه اسلامی با توجه بر تأکید آن‌ها بر ضرورت انکارناپذیر اسلامی سازی؛
۵	تقویت تعامل فکر و عمل با نزدیکی به جریان‌های تحقیق‌یافته بیرونی همچون جریان نوصدرایی جهت غلبه بر شکاف عمل و نظر در جهان اسلام؛
۶	لزوم تقویت ارتباط با جریان‌های اصیل اسلامی جهت جلوگیری از گرفتار شدن در اندیشه‌های پست مدرن غربی به دلیل استقرار مراکز اصلی موسسه در غرب؛

## راهبرد WT: اتخاذ تصمیمات مناسب جهت غلبه بر تهدیدها از طریق مدیریت نقاط ضعف؛

ردیف	عنوان
۱	مدیریت اجتهاد مقاصدی در جهت تحول در فقه و اسلامی کردن علوم و جلوگیری از فاصله گرفتن از اجتهاد سنتی و اصیل اسلامی و گرفتار شدن در عقل عرفی و داده‌های امروزی تفکرات پست مدرن؛

۲	شروع اسلامی سازی از علوم غربی خود می‌تواند موجب گمراهی و بازی کردن در زمین آن‌ها شود، لذا نقطه شروع دانش اسلامی نباید از علوم غربی باشد (ترجیح روش تأسیسی بر تهذیبی)؛
۳	غلبه بر ضعف تبیین مفاهیم کلیدی همچون رابطه عقل و وحی، عالم غیب و مباحث عمیق الهیاتی با استمداد از آورده‌های جریان نوصدرایی؛
۴	کنترل توقعات نسبت به منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم و اینکه نباید از آن توقع ارائه روش مستقیم تولید دانش داشت.
۵	ارتباط‌گیری جدی‌تر فلسفی با جریان نوصدرایی با توجه به ورود اخیر موسسه به مباحث فلسفی و فقر تجربه فلسفه ورزی و فقدان مباحث فلسفی آن‌ها؛
۶	لزوم تجدیدنظر نسبت به عرفان و تصوف اسلامی و توجه به کارکردها و ثمرات مثبت آن جهت تقویت جهان اسلام و استقرار تمدن نوین اسلامی؛
۷	تلقی جدی‌تر نسبت به ارزش مباحث کلامی به‌ویژه در موضوعات مرتبط با فلسفه دین و کلام جدید؛
۸	مدیریت نگاه‌های بیش‌ازاندازه پراگماتیسمی و کارکردگرایان متأثر از فلسفه تحلیلی و فضای آمریکا و توجه بیشتر به مبانی تئوریک و نظری؛

### نتیجه‌گیری

جریان نوصدرایی در ایران و موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (IIT) در غرب و جهان اسلام دارای اشتراکات فراوانی است. توجه به لزوم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، ضرورت بازنگری در علوم سکولار غربی و تولید دانش اسلامی، تلقی تعارض غرب با جهان اسلام در لایه‌های بنیادین و تمدنی، رجوع به میراث اسلامی و مرجعیت قرآن و سنت در حل چالش‌های مدرن، تولید محصولات فکری متعدد و مستمر، تأکید بر جهانی بودن دانش اسلامی، توجه ویژه به موضوع روش‌شناسی و همچنین تعامل نظر با واقع خارجی از دغدغه‌های مشترک هر دو جریان است. باوجود این هم‌افقی‌ها در اهداف و رویکردهای کلان، تاکنون تعامل جدی دوسویه رقم نخورده، بآنکه جریان نوصدرایی به‌ویژه در حوزه محتوای اسلامی و مبانی عمیق نظری ظرفیت‌های مهمی برای موسسه به همراه دارد.

باگذشت پنج دهه از تأسیس موسسه و چهار دهه از انقلاب اسلامی، این دو جریان علی‌رغم دغدغه‌های مشترک فراوان هرگز نتوانسته‌اند سر میز مذاکره نشسته و به تعامل فکری و کنشگری هم‌سو بپردازند. عوامل سیاسی، فاصله جغرافیایی، تفاوت‌های زبانی و همچنین گرایش مذهبی متفاوت برخی از این موانع هستند که تاکنون اجازه این تعامل مشترک را نداده است.

جریان نوصدرایی به دلیل جامع‌نگری دانشی در حوزه‌های مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی و قرآنی، ظرفیت‌های بسیاری برای عرضه به اندیشمندان موسسه دارد. محصولات فکری و نظریه‌پردازی‌های نوصدرایی می‌تواند موسسه را از نگاه‌های سطحی و کارکردگرایان خارج کرده و به عمق‌بخشی و تقویت مبانی نظری آن‌ها در موضوعات مختلف تمدنی، دانشی، روش‌شناسی و بهره‌گیری همه‌جانبه از میراث اسلامی کمک کند. به‌ویژه آنکه سیر فعالیت موسسه در پنج دهه فعالیت به‌روشنی نشان‌دهنده عمیق‌تر شدن نظریات آن‌ها و دست برداشتن از برخی موضع‌گیری‌های افراطی اشعری‌گرایانه است. اکنون که غالب اندیشمندان موسسه به‌نوعی گشایش و عمق فکری رسیده‌اند، این فرصت بسیار مغتنمی است که جریان نوصدرایی با شروع گفتگوهای نخبگانی و علمی به غنای اندیشه‌های آنان کمک کند. از سوی دیگر، به دلیل تأسیس موسسه در آمریکا و فعال‌سازی شعبه‌های متعدد در کشورهای غربی و اسلامی و ارتباط و اثرگذاری‌اش بر نخبگان و نویسندگان جهان اسلام، برقراری ارتباط با آن‌ها برای جریان نوصدرایی فرصت مغتنمی است تا بتواند از طریق آن‌ها با جامعه مخاطب بسیار گسترده‌ای ارتباط گیرد.

### منابع

۱. احمد واعظی (۱۳۷۸). علم دینی از منظر آیه الله جوادی آملی. فصلنامه حوزه و دانشگاه ۲۳-۹.
۲. اسماعیل راجی، فاروقی (۱۹۸۳). أسلمة المعرفة، المبادئ العامة و خطة العمل. کویت: دارالبحوث العلمیة بالکویت.
۳. ——— (۱۹۸۴). اسلمة المعرفة؛ المبادئ العامة و خطه العمل. الکویت: دارالبحوث العلمیة.
۴. ایمان، محمد تقی؛ احمد کلاته ساداتی (۱۳۹۲). روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدلی روش‌شناختی از علم اسلامی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. حاج حمد، محمد ابوالقاسم (۲۰۰۳). منهجية القرآن المعرفية؛ أسلمة فلسفة العلوم الطبيعية و الإنسانية. بیروت: دارالهادی.
۶. حسنه، عمر عبید (۱۹۹۸). مراجعات فی الفكر و الدعوه و الحركة. بیروت، دمشق، عمان:



المکتب الاسلامی.

۷. حمید، پارسانیا (۱۳۹۹). بیست پرسش درباره علم دینی. در دست انتشار.
۸. ——— (۱۳۹۰). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم: کتاب فردا.
۹. رائد جمیل، عکاشه (۲۰۱۲). الفلسفة فی الفكر الإسلامی. المملكة العربية الهاشمية: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۱۰. سید محمد تقی موحد ابطحی (۱۳۹۵). تحلیلی بر اندیشه‌های علم دینی در جهان اسلام. قم: مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی.
۱۱. طه جابر، علوانی (۱۹۹۶). اسلامیة المعرفة بین الأمس و الیوم. قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۱۲. عباس حیدری پور (۱۳۹۸). کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. عبدالحمید ابوسلیمان (۱۹۹۱). أزمه العقل المسلم. المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۱۴. عبدالله، جوادی آملی (۱۳۸۹). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: مرکز نشر اِسرا.
۱۵. عمادالدین، خلیل (۲۰۰۶). مدخل الی اسلامیة المعرفة. دمشق- بیروت: دار ابن کثیر.
۱۶. غزالی، محمد (۱۹۹۱). تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل. القاهرة: دار الشروق.
۱۷. فتحی حسن ملک‌اوی (۲۰۱۸). مقالات فی اسلامیة المعرفة. هرنندن، ورجینیا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۱۸. لمیاء لويس الفاروقی؛ اسماعیل راجی الفاروقی (۱۹۹۸). أطلس الحضارة الإسلامیة. الرياض: مكتبة العبيکان.
۱۹. لیف، استنبرگ (۱۳۹۸). اسلامی سازی دانش. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۲۰. محمد تقی، سبحانی (۱۳۸۵). جریان شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر (۱). نقد و نظر سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، شماره ۴۳-۴۴ صفحه ۳۱۱-۲۷۹.
۲۱. محمد تقی، سبحانی (۱۳۸۶). جریان شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر (۲). نقد و نظر سال دوازدهم، شماره اول و دوم، ۴۵-۴۶، ۲۸۲-۲۱۸.
۲۲. محمد تقی، مصباح یزدی (۱۳۸۹). انسان شناسی در قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۳. محمد علی رضایی (۱۳۷۵) دیدگاه‌ها درباره تأثیر عنصر زمان و مکان بر اجتهاد، مجله حضور شماره ۱۵.
۲۴. محمد، عماره (۲۰۰۹). معالم المنهج الاسلامی. المجلد الطبعة الثانية. قاهره: دارالشروق.
۲۵. منتصر محمود، مجاهد (۱۹۹۶) أسس المنهج القرآنی فی بحث العلوم الطبيعية. القارة: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
26. Yusuf Al-Qardawi(1987). **Islamic Awakening between Rejection and Extremism**. Herndon: International Institute of Islamic Thought .
27. Ziauddin Sardar (1984). “**Islamization of Knowledge or Westernization of Islam.**” Inquiry 39-45.